

گسترش روزافزون فالگیران و رمال‌ها در فضای مجازی

از گفتار ماده تا جن گیری دور گهواره خالی!

گزارش

شاید سال‌های گذشته دسترسی به این افراد کمی سخت بود، اما حالا فاصله با آنها خیلی کم و در حد روشن کردن اینترنت و جست‌وجو کردن نام‌شان در فضای مجازی است. فضایی که خیلی از کسب‌وکارهای درست و ایمن سال‌هاست در آن فعالیت می‌کنند و نان حلال می‌خورند، حالا جولانگاه افرادی شده که با طلسم و جادو و شبه دعا و فال‌های عجیب و غریب درآمدهای آنچنانی دارند و تا جایی که دل‌شان می‌خواهد از مشتری‌ها پول می‌گیرند تا مثلاً یکی بخت‌اش باز شود، یا محبت شوهر به زن بیشتر شود یا کسب‌وکار کسی رونق بگیرد و یا حتی معشوقی که رفته پشیمان شود و سر آسیمه باز گردد. مرد و زن هم ندارد. فقط کافی است نگاهی به دنبال‌کننده صفحه این رمال‌ها بیندازید. مثلاً زنی ۵۰ ساله از لس‌آنجلس از طلسم فلانی تعریف می‌کند و یا مردی از گرجستان می‌گوید با شبه‌دعای این رمال کسب‌وکارش رونق گرفته و زندگی‌اش از این رو به آن رو شده است. با هشتک طلسم و جادو و رمالی و فال کلی صفحه بالا می‌آید؛ صفحه‌هایی که با فریب افراد ساده‌لوح پول خوبی به جیب می‌زنند. صفحه‌هایی که روز به روز به تعداد آنها و البته به تعداد دنبال‌کننده‌های آنها اضافه می‌شود روز به روز بیشتر جیب مردم را خالی می‌کنند.

برای بازگشت معشوق

استفاده کرده‌اند و در یک هفته معشوق دل‌خسته برگشته.» خانم فالگیر در فنجان سمیرا رد پای یک زن می‌بیند؛ زنی که همسرش دل به او باخته و برای همین است که دیگر علاقه‌ای به سمیرا ندارد. البته در فنجان سمیرا ردپای دعا و جادو هم دیده می‌شود. زن فالگیر به سمیرا می‌گوید یک زن از خانواده پدری‌ات تو را جادو کرده است. برای برگرداندن احمد هم باید طلسم برگرداندن معشوق را پیدا کنی. زن فالگیر آدرس یک زن دیگر را می‌دهد که هم می‌تواند جادوی سمیرا را باطل کند و هم با طلسمی احمد را به او برگرداند. سمیرا می‌گوید: «از طرف آن خانم فالگیر به یک خانم دیگر معرفی شدم. به من گفتند باید پیراهن همسرم را هم ببرم. آنجا یک پیرزن پیراهن همسرم را گرفت و روی آن ورد خواند. بعد به من گفت باید به بازار بروی و قفل و زنجیری که زنگ‌زده بخری و دور پیراهن ببیچی و در مسیر همیشگی که همسرت رفت و آمد می‌کند در زمین خاک کنی.» سمیرا به سختی قفل و زنجیر زنگ‌زده از بازار دست دوم فروش‌ها پیدا می‌کند و دور پیراهن می‌پیچد. البته او برای دریافت این طلسم حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پول نقد به خانم رمال داده است: «گفت من به کسی شماره حساب نمی‌دهم و خودم را وارد دنیای آلوده مراودات بانکی نمی‌کنم. برای همین از من پول نقد گرفت.» سمیرا پیراهن احمد را در یک نیمه‌شب بارانی در بلواری که سر راه همیشگی احمد است در زیرمین چال می‌کند: «خیلی کار سختی بود. اما با دوست‌ام انجام دادیم. خانم رمال به من گفت بین سه تا پنج روز احمد برمی‌گردد. اما رابطه من و احمد تا یک سال بعد از آن ماجرا هم خوب نشد. چون دلیل سردی احمد مشکلات مالی شدیدی بود که پیدا کرده بود و نمی‌خواست با گفتن به من مرا ناراحت کند.»

در بساط رمالان و جادوگران مجازی همه چیز هست. از درمان نازایی تا رونق دادن به کسب‌وکار تا فروش زمین و خانه و حتی قبول شدن در کنکور و آزمون استخدامی بانک‌داستان سمیرا اما با همه اینها فرق می‌کند. سمیرا ۲۸ ساله دو سال است که از دواج کرده. او به عقد پسر دایی‌اش درآمده که سال‌ها عاشقانه او را دوست داشته اما حالا همه چیز فرق می‌کند. پسر دایی عاشق پیشه دیگر مثل گذشته نیست و هیچ علاقه‌ای برای ادامه زندگی با سمیرا ندارد. سمیرا می‌گوید: «احمد عاشق من بود. همه عشق احمد را برای همدیگر مثال می‌زدند. پدرم با از دواج ما راضی نبود اما احمد انقدر آمد و رفت و میانجی فرستاد که بالاخره پدرم با از دواج ما موافقت کرد. اوایل نامزدی و روزهای عقد خیلی هیجان‌انگیز بود. هر روز یک داستان جدید و متفاوت داشتیم اما از سال دوم عقد ناگهان همه چیز عوض شد. احمد دیگر آدم همیشگی نبود. او که روزی ۱۰ بار به من زنگ می‌زد فقط دو سه روز یک‌بار زنگ می‌زد و حال ام را می‌پرسید. دیگر به خانه نمی‌آمد و هر دو سه هفته یک‌بار همدیگر را می‌دیدیم. حتی یک‌بار به پدرم گفت فعلاً نمی‌تواند مراسم عروسی بگیرد و نمی‌تواند خانه اجاره کند...» سمیرا همه این نشانه‌ها را دلیل سردی همسرش می‌داند و فکر می‌کند دیگر در قلب معشوق جایی ندارد و حتی ممکن است فرد دیگری جای او را گرفته است. همین افکار و البته اصرارهای یکی از دوستان‌اش باعث می‌شود، سمیرا راهی خانه یک فالگیر شود. خانمی که در یکی از شهرستان‌های اطراف تهران فال قهوه و تاروت می‌گرفت و می‌توانست احمد را به سمیرا برگرداند. این را سمیرا می‌گوید و در ادامه توضیح می‌دهد: «راست‌اش من خیلی به این کارهای اعتقاد نداشتم، اما به هیچ وجه نمی‌خواستم احمد را از دست بدهم. دوست‌ام می‌گفت برای یکی از دخترهای فامیل از طلسم بازگشت معشوق این خانم

داستان نرمین و درمان نازایی

من یک جور دیگر نگاه می‌کردند. برای همین همیشه دنبال یک راهی بودم که سریع به نتیجه برسم. این رمال هم به من گفت ۵۰۰ هزار تومان برایش واریز کنم تا کارکنان‌اش در بیابان گفتار ماده پیدا کنند. بعد از واریز ۵۰۰ هزار تومان به من گفت یک میلیون تومان دیگر باید برایش واریز کنم. گفتند در چهار بیابان که به چهار گوشه خانه ما می‌رسد یک طلسم را به تک درخت برای من واریز می‌کنند. بعد از یک هفته هم گفتند به دلیل باران و برف نتوانسته‌اند گفتار ماده پیدا کنند و باید منتظر بمانم. دوباره با من تماس گرفتند و گفتند یک میلیون دیگر باید واریز کنم چون می‌خواهند در بندری در خلیج فارس دور یک گهواره خالی مراسم جن‌گیری راه بیندازند تا اجنه اجازه باردار شدن مرا صادر کنند.» نرمین موبه‌مو همه این کارها را انجام داده است. او تا چند ماه اسیر کارهای رمال بوده و حدود ۱۷ میلیون تومان در مراحل مختلف به حساب این رمال پول واریز کرده است. در حال حاضر دو سال از آن ماجرا می‌گذرد. نرمین هنوز بچه‌دار نشده است. نرمین زنی ۴۸ ساله است و تحصیلات دانشگاهی دارد.

نرمین ۴۸ ساله است. ۲۲ سال است که از دواج کرده اما هنوز بچه‌دار نشده است. نرمین می‌گوید: «حتی تا انگلیس هم برای بچه‌دار شدن رفتم. باینکه هزار راه و درمان را امتحان کردیم، اما خدا نخواست که بچه‌دار شوم. برای (IVF) و حتی رحم اجاره‌ای هم اقدام کردم اما چون مشکل از همسرم بود از این طریق هم راهی برای ما باز نشد.» نرمین می‌گوید وقتی همه راه‌ها بسته شد مجبور شدم خودم دنبال راه بگردم. راهی که نرمین پیدا کرد به رمالی در اینستاگرام ختم شد. رمالی که می‌گفتند از بستن زبان دیگران، رساندن عاشق به معشوق، طلسم و جادوی بدخواهان، موفقیت در کنکور، پیدا کردن نشانی دزدان و سارقان و درمان نازایی در بساط‌اش پیدا می‌شود و با اینکه کمی گران می‌گیرد و مراحل کارهای‌اش کمی سخت است، اما جواب کار قطعی است و کسی دست خالی برنگشته است. نرمین می‌گوید: «شوهر من تنها پسر خانواده است. پدر و مادرش تا زنده بودند همیشه می‌گفتند می‌خواهیم تا زنده هستیم نوه پسری را ببینیم. خیلی روی من فشار بود. با اینکه مشکل اصلی با همسرم بود، اما همه به

به دنبال دزد طلا

مینا، ۳۹ ساله است. تابستان سال ۹۹ وقتی از سر کار به خانه باز می‌گردد با خانهای به هم ریخته و شلوغ مواجه می‌شود. خودش می‌گوید حدود ۱۰۰ میلیون سکه و طلا داشته که دزد همه آنها را می‌برد. بعد از شکایت و پیدا نشدن دزد یکی از همسایه‌ها به او پیشنهاد می‌کند از یک شبه‌دعانویس کمک بگیرد. کسی که همه او را قبول دارند و با چند شبه‌دعایی که روی کاغذ می‌نویسد در ۲۰ روز می‌توانند دزد را پیدا کنند. مینا می‌گوید: «خانم همسایه پیچ‌و‌رادر اینستاگرام برای من فرستاد. من هم برای صاحب صفحه پیغام فرستادم. بعد از دو روز به پیغام من جواب دادند و گفتند کارت رایگو. کارم را که گفتم گفتند پنج دقیقه قبل از غروب آفتاب رو به قبله بنشین و به تلاه‌ای فکر کن. همان زمان ما برایت شبه‌دعا را می‌فرستیم. من هم همه کارهایی که می‌گفتند را انجام دادم. به من گفتند اگر می‌خواهی هم دزد پیدا شود و هم تلاه‌ایت باید دو تا یک میلیون به حساب ما واریز کنی. گفتند یک میلیون را روز یکشنبه قبل از غروب آفتاب باید از عابر بانکی که سایه‌بان‌اش سیاه باشد به حساب ما بریزی. یک میلیون دیگر را هم باید بعد از نیمه‌شب از عابر بانکی که توی یک خیابان خلوت است واریز کنی. با هزار بدبختی این عابر بانک‌ها را پیدا کردم و پول را واریز کردم.» مینا شبه‌دعایی که برایش فرستاده‌اند را نشان می‌دهد. یک عکس است از یک کاغذ کاهی که روی آن چند کلمه عربی پشت سر هم و بدون معنای خاصی نوشته شده است. به مینا گفته بودند از این عکس پرینت بگیر و آن را داخل یک کیف چرمی به مدت ۱۵ روز به گردن‌ات بینداز. مینا می‌گوید: «همه این کارها را انجام دادم اما خبری از دزد و طلاها نشد. بعد از دو ماه دوباره به آن صفحه پیغام دادم. کسی جواب مرا نداد. بعد از یک هفته‌امین آن صفحه به من گفت دزد را گرفته‌اند تا به دزدی خانه شما اعتراف کند طول می‌کشد. اگر می‌خواهی زودتر به دزدی طلاهای شما اعتراف کند باید دو تا یک میلیون دیگر هم واریز کنی. من اما پول دیگری نداشتم و نمی‌توانستم دوباره به حساب آنها پول بریزم. وقتی این حرف را به آنها زدم درم‌بلاک کردند و دیگر کسی جواب من را نداد.»

66

در بساط رمالان و جادوگران مجازی همه چیز هست. از درمان نازایی تا رونق دادن به کسب‌وکار تا فروش زمین و خانه و حتی قبول شدن در کنکور و آزمون استخدامی بانک

تکنه

چه افرادی اسیر طلسم و جادو و خرافات می‌شوند؟

رمالان و دعانویسان تا حدودی تکنیک‌های روانشناسی را می‌شناسند به همین دلیل به راحتی می‌توانند افرادی که به خرافات گرایش دارند را به سمت خود جذب کنند. اما چه افرادی اسیر طلسم و جادو می‌شوند؟

افراد منفعل و خرافی

روانشناسان معتقدند اعتقاد به سحر و جادو هیچ ربطی به دانش و تحصیل فرد ندارد و افراد خرافی و ساده‌لوح که به دنبال ساده‌ترین راه برای حل مشکلات خود هستند به طلسم و جادو متمایل می‌شوند. شخصیت‌های منفعل بیشتر از دیگران در معرض اعتقاد به باورهای خرافی قرار دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد اعتقاداتی مانند دعانویسی و طلسم کردن و سر کتاب باز کردن برای حل مشکلات زناشویی یا بارداری، تشدید محبت زن با مرد، گشایش رزق و روزی، درمان بیماری، بخت‌گشایی و یا حتی بازگشت معشوق بیشتر در افرادی که شخصیت منفعل دارند دیده می‌شود. انفعال تقویت‌کننده خرافات است. افراد منفعل که نه گفتن را بلد نیستند مدام در معرض باورهای خرافی قرار دارند. این افراد خیلی سریع تحت تأثیر حرف‌ها و نظرات دیگران قرار می‌گیرند و برای رسیدن به تصویری از آینده، کارهای غیر عقلانی انجام می‌دهند. چون در مواجهه با مشکل خیلی زود خسته می‌شوند و دنبال راهی هستند که بدون دردسر و البته در اسرع وقت به آن برسند.

خودشیفته‌ها

گروه دیگر از تیپ‌های شخصیتی که به طلسم و جادو متمایل دارند، افراد خودشیفته هستند. روانشناسان اعتقاد دارند این گروه از افراد به دلیل اینکه خود را بهتر و بالاتر از بقیه نشان بدهند برای آگاهی از آینده یا زودتر حل شدن کارها و مشکلات‌شان سراغ فالگیر و دعانویس می‌روند. این افراد دوست دارند در گروه‌های خانوادگی از علم‌شان درباره آینده و اتفاق‌هایی که فقط آنها سرانجام‌شان را می‌انند، صحبت کنند.

ژنتیکی نیست

شاید خرافه و تمایل به دعا و طلسم و جادو در ژن انسان‌ها نباشد، اما باورهای خرافی ممکن است چند نسل در خانواده‌ها بچرخد. کودکانی که در یک محیط سرشار از عقاید عجیب و علاقه به خرافات رشد می‌کنند کم‌کم باورشان با خانواده یکی می‌شود و شخصیت‌شان شکل می‌گیرد. روانشناسان معتقدند اگر اعتقادات خرافی در افراد تبدیل به باور شود تغییر دادن آن خیلی سخت می‌شود. ایجاد وسواس‌های فکری و عملی از جمله آسیب‌های روانشناختی است که این افراد را درگیر می‌کند. همچنین باعث تقویت شخصیت نارسایی و افزایش انفعال فکری و رفتاری در افراد منفعل می‌شود. از دست دادن شغل، از دست رفتن زندگی زناشویی، افزایش اختلافات خانوادگی و آسیب دیدن روابط اجتماعی افراد در جامعه از پیامدهای افزایش گرایش به باورهای خرافی است. افکار و باورهای غلطی که در ابتدا برای حل مشکلات و یا حتی درمان بیماری‌ها شکل می‌گیرد، اما در واقعیت خود آنها به مشکلات اصلی تبدیل می‌شوند که از بین بردن آنها ماه‌ها و حتی سال‌ها طول می‌کشد.



اکرم احمدی

روزنامه‌نگار

با من تماس گرفتند و یک میلیون دیگر باید واریز کنم چون می‌خواهند در بندری در خلیج فارس دور یک گهواره خالی مراسم جن‌گیری راه بیندازند تا اجنه اجازه باردار شدن مرا صادر کنند



[کارتون: الهام جهانفرد]

